AKO
گروه مشاوره و برنامه ریزی

www.akoedu.ir

WWW.AKOEDU.IR

اولین و باکیفیت ترین

آکادمی کنکور در ایران

کلاس های vip کنکور

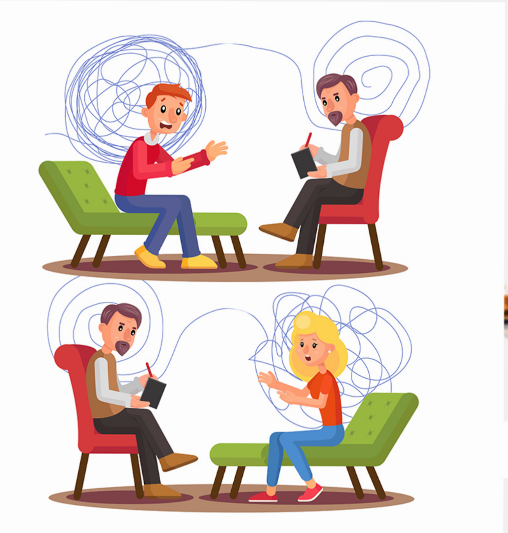

جهت دریافت برنامه ی شخصی سازی شده یک هفته ای رایگان کلیک کنید و یا به شماره ی ۰۹۰۲۵۶۴۶۲۳۴ عدد ۱ را ارسال کنید.

تلفن تماس: ۰۲۶۳۳۴۰۸۹۴۴

نمونه سوال عربی یازدهم درس‌ششم متوسط

۱. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة:

« الظبیُ کأنّه إنسان شاعر یُدرک جمال اللّیل و هو یرقب القمر بإعجاب کثیر!»:

۱) این آهو چون انسانی است شاعر که قدر شب زیبا را دانسته و نظاره‌گر زیبایی ماه است!

۲) چه بسا آهو انسانی است شاعر که قدر زیبایی شب را می‌داند و ماه را با تعجّب بسیار نظاره می‌کند!

۳) آهو گویی انسانی شاعر است که زیبایی شب را درک می‌نماید و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می‌کند!

۴) گویی که این آهو همچون انسان شاعری است که شب زیبا را درک می‌کند و به‌طوری عجیب نظاره‌گر ماه است!

۲. «من طمع بالکثیر لم‌یحصل علی القلیل!». عَیّن المناسب للمفهوم:

۱) ز طمع است کوته زبان مرد آز — چو شد طمع کوته زبان شد دراز!

۲) دل مرد طامع بود پر ز درد — به گرد طمع تا توانی مگرد!

۳) چو خرسند باشی تن آسان شوی — چو آز آوری زان هراسان شوی!

۴) حرص توست اینکه همه چیز تو را نایاب است — آز کم کن که نرخ همه ارزان گردد!

۳. عَیِّن العبارة الّتی یختلف فیها معنی المضارع:

۱) «وَ عَسَی أنْ تَکْرَهوا شیئاً وَ هُوَ خَیرٌ لکُم...»

۲) «... فَاصْبِروا حتّی یَحْکُمَ اللهُ بیننا ...»

۳) «لَن تَنالوا البِرَّ حتّی تُنْفِقوا...»

۴) «...لِکیلا تَحزنوا علی ما فاتَکم...»

۴. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی التعریب: «ای دانش‌آموزان، علم را برای دستیابی به مقامات دنیوی مجویید!»

۱) أیّها التلامیذ، لا تطلبون العلوم لوصول مراتب دنیویّة!

۲) یا تلمیذات، لا تریدوا العلم لحصول علی المنصب الدنیویّ!

۳) أیّها الطّلاب ، لاتطلبوا العلم للوصول إلی المناصب الدنیویّة!

۴) یا طالبات، لا تبحثوا عن العلوم للحصول علی المقام الدنیویّ!

۵. أیُّ فعل یُکملُ العبارَةَ:

«إنّنا لَعِبنا کُرَةَ القَدمِ لِمُدَّةِ ساعاتٍ و لکنَّهم .... فی اللَّعِب.»

۱) لا تُشارکونَا

۲) شارَکونا

۳) لَمْ یُشارکونا

۴) لا تُشارکونا

۶. عَیِّن الصَّحیحَ فی التَّرجَمَة:

«هولاءِ شاعِراتٌ، وَلَهُنَّ أَشعارٌ جَمیلَةٌ فِی الْکُتُبِ».

۱) اینان شاعران هستند که اشعار زیبایی در کتاب‌ها دارند.

۲) این شاعران هستند که اشعار دل‌انگیزی در کتاب‌ها دارند.

۳) اینان شاعر هستند و اشعار زیبایی در کتاب‌ها دارند.

۴) برای این شاعران اشعار زیبایی در کتاب‌ها است.

۷. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :

«لا تکن من الذین یحرق لسانهم قلوب الآخرین و کأنّ زهراً مهلکاً مخبوء تحته!»: از کسانی مباش که ....

۱) گوئی زهر مهلکی که زیر زبان آن‌ها است دل دیگران را می سوزاند!

۲) گوئی زهر مهلکی زیر زبانشان است و دل‌های دیگران را به درد می آورند!

۳) با زبانشان دل‌های دیگران را به درد می آورند گوئی که زیر آن زهری کشنده است!

۴) زبانشان دل‌های دیگران را می سوزاند گوئی زهری کشنده زیر آن پنهان است!

۸. «إن لم یکن أیُّ خطر و صعوبة فی استخراج النّفط لقد أصبح سعرُه رخیصاً جدًّا!»:

۱) اگر هیچگونه خطر و سختی در استخراج نفت نباشد، بهای آن بسیار ارزان می‌شد!

۲) چنانچه هیچ خطر و سختی در استخراج نفت نباشد، قیمتش خیلی پایین‌تر می‌آید!

۳) اگر هیچ خطر و سختی در خارج کردن نفت نبود، قیمت آن خیلی ارزان‌تر می‌شد!

۴) چنانچه هیچ‌گونه خطر و سختی‌ای در خارج شدن نفت نبود، بهایش بسیار پایین می‌آمد!

۹. عیّن الخطاء فی الترجمة:

۱) خرج بعضُهم من الصفّ مُسرعین : بعضی از آنها به سرعت از کلاس خارج شدند.

۲) لِنستَمِع کلام المعلّم حتی تَنجَحَ : باید به سخن معلم گوش می‌دادیم تا موفق شویم.

۳) المؤمن لن یسعی لمعرفة أسرارالآخرین : مؤمن برای شناختن رازهای دیگران تلاش نخواهد کرد.

۴) الکفّار لم یُؤمنوا بما أنزل الله : کافران به آنچه خداوند فرستاد ایمان نیاوردند.

۱۰. عَیِّن الصَّحیحَ فی المحلّ الإعرابیّ:

۱) العالِمُ بِلا عملٍ کالشَّجرِ بلاثَمَر: خبر
۲) خَیْرُ الأُمور أوسطُها: فاعل
۳) عَداوةُ العاقلِ خیرٌ مِن صَداقةِ الجاهلِ: مجرور بحرف الجرّ
۴) أَمَرَنی رَبّی بمداراةِ النّاس: مفعول

۱۱. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة أو المفهوم أو التعریب
«إذا لم یکن لک مال تعطیه الآخرین فأعطهم السّرور و الهدوء بحسن خلقک!»:

۱) چنانچه مال برای بخشیدن به سایرین نداشتی با اخلاق خوبت سرور و آرامش را به آنها عطا کن!
۲) هرگاه مالی نداری که به دیگران ببخشی پس با خوبی اخلاقت شادی و آرامش را به آنها اعطا کن!
۳) هنگامی که مالی برای بخشش به سایرین نداشتی پس خوش اخلاق باش تا شادی و آرامش را به آنها ببخشی!
۴) آنگاه که مالی نداری و چیزی به دیگران نمی‌بخشی می‌توانی با حسن خلق خود سرور و آرامش را به آنها بدهی!

۱۲. «العالم بلا عمل کشَجرة بلا ثمر!»، عیّن الأَنْسَبَ للمفهوم:

۱) قیمة الإنسان ما یحسنه!
۲) ومَنْ طلب العلی سَهر اللّیالی!
۳) ثمرة العلم إخلاص العمل!
۴) أرفع العلم ما ظهر علی الجوارح!

۱۳. عَیِّن المضارع ماضیاً فی المَعنی:

۱) لَمّا أَسْرَعوا لِیَتناوَلوا الطَّعام، ما وَجدوا إلّا الخُبزَ.
۲) أَلَمْ یَروا إنّا جَعَلْنا اللَّیلَ لِیَسْکُنوا فیه وَ النّهار مُبْصِراً.
۳) لَنْ تَنْجَحَ خُطَّتُنا هذه المرَّة لِأَنَّهُم یَعرفونَ أسلوبَ تعامُلنا الأخیر.
۴) لا تَظْلِمْ کما لا تُحبَّ أَن تُظْلَمَ و أَحْسِنْ کما تُحبُّ أَنْ یُحْسَنَ إِلَیْکَ.

۱۴. « فی تَصادُمِ السِّیارتین جُرِحَ أَقَلُّ مِن عشرة طلّاب و أَحَدُ المسؤولین. » عَیِّن ما لیس فی هذه العبارة:

۱) اسم المفعول
۲) اسم المبالغة
۳) اسم التّفضیل
۴) اسم الفاعل

۱۵. عیّن ما فیه معادل (المضارع الالتزامی) فی الفارسیّة:

۱) أَشکرُ الله علی هذه الأیّام الماطرة.
۲) أُفتِّش عن معجم یساعدنی فی فهم النصوص.
۳) کنّا نسافر قبل شهرین فی مناطق بلادنا الشمالیّة.
۴) الذی یکذبُ فی الحیاة یشاهدُ نتیجة کذبه.

۱۶. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة أو المفهوم أو التعریب
«برای تلاش کردن شتاب کن و از تنبلی دوری بجوی تا دقایق و ثانیه‌های عمر تو تباه نشود!»:

۱) ابتدر السّعی و ابتعد عن الکسل حتّی لا تُضیَّع دقائقُ عمرک و ثوانیه!
۲) بادری سعیاً و أعرضی عن الکسل حتّی لا یُفنی دقائق عمرک و ثوانیه فناءً!
۳) اِسبقی بجدّ و أعرضی عن الکسل حتّی لا تصیر دقائق العمر و ثوانیها فانیاً!
۴) بادر بالجدّ و أبعد التّکاسل عن نفسک حتّی لا تزول عنک دقائق العمر و ثوانیها!

۱۷. عیّن ما فیه لام التعلیل (لبیان العلّة):

۱) السمک الطائر یقفز و یطیر فوق سطح الماء للفرار من أعدائه.
۲) ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله.
۳) المِظَلَّة أداة لحفظ الانسان أمام أشعة الشمس أو المطر.
۴) ما یرید الله لیجعل علیکم الحَرَج.

۱۸. عیّن ما لیس فیه (الماضی المنفی) فی المعنی:

۱) اخذ ینادی الشابُّ اصحابه فلم یلتفتوا الیه حتّی أسرع الیه.
۲) ماأضمر احدٌ شیئاً الّا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه.
۳) ما أجمل کلام النّبی (ص): لاتنظروا الی کثرة صلاتهم ولکن انظروا الی صدق الحدیث.
۴) لن أکذب بعد الیوم أبداً و ماعاهد هذا الشابّ الی الکذب مرَّة أخری.

۱۹. عیّن ما لیس فیه معادل (المضارع الالتزامی) فی الفارسیّة:

۱) مَن عرف نفسه فقد عرف ربّه.
۲) إذا ظَنَنْتَ أنّک تستطیع ارضاء جمیع الناس فأنتَ مخطیء شدیداً.
۳) الذی یظنّ صاحب البستان بخیل فهو فی غلط.
۴) احبُّ صدیقاً یرشدنی الی الکمال.

۲۰. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:
«لا تنظر إلی دقّات الحیاة الماضیة، بل أُنظر إلی دقّاتها الباقیة!». عیّن ما لایناسب مفهوم العبارة:

۱) نیمهٔ خالی لیوان را نبین!
۲) لا تَتحسّر علی ما سبق!
۳) بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین!
۴) أَستفد ممّا بقی لک من الفرص!

www.akoedu.ir

۲۱. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:
«یا أیّها الرّسول؛ بلّغ ما أنزل إلیک من ربّک، و إن لم تفعل فما بلّغت رسالته»: ای رسول؛...

۱) چیزی را که خداوند بر تو نازل کرده ابلاغ کن، که اگر نکنی رسالت خود را ابلاغ نکرده‌ای!
۲) برسان چیزهایی را که از پروردگار بر تو فرود آمده و اگر چنین نکنی رسالت او را نخواهی رساند!
۳) آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر انجام ندهی رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای!
۴) ابلاغ کن چیزهایی را که خدایت برای تو می‌فرستد، چه اگر ابلاغ نکنی رسالت خویش را نرسانده‌ای!

إقرأ النصّ التالی بدقّة، ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النصّ:
مِن المؤکّد أنّ الکلب حیوانَ یعیش علی تناول اللّحم و العظم، ولکن أدرک العلماءُ أخیراً أنّ الکلب إذا اشتدّ به الجوع و لم‌یجد طعامه المحبوب، یَلجا إلی تناول النباتات و الأعشاب، و أنّه یقدر أن یَبقی علی هذه الحالة حتّی آخر عمره! و قد أکد العماء أنّ الکلب الّذی یَتعْود أکلَ النباتات یَنسَی بعد مُدة أطعمته المحبوبَة، أی: اللحمَ و العظمَ، و یُصبح حیواناً نباتیاً! هذا الکلب یفقد الکثیر من صفات الکلب العادیّ ، و یعمل و کأنه حیوان آخر!

۲۲. عیّن الخطأ:

۱) الجوع هو السببُ لتغییر عادات الکلب.
۲) لایُمکن تغییرُ عادات الحیوانات.
۳) الکلب النباتیّ یَرجَح تناولَ العشب و النبات.
۴) الحیوان النباتیّ إضافة إلی تغییراته الغذائیّة، تتغیّر عاداته الآخری .

۲۳. عَیِّن المضارعَ یُترجَم ماضیاً:

۱) إنَّ اللهَ لایُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغیرّوا ما بأنفسهم.
۲) عَلَی اللهِ فَلْیَتوکَّلِ المؤمنونَ.
۳) بُعِثَ النَّبِیُّ (ص) لِیَهْدِیَ النَّاس فَلنَستَمِعْ إلَی کلامِ الحَقِّ.
۴) دَرَّست «شیمل» فی جامِعَة «هند» ولکنَّها لَم تُدرِّسْ فی الجامعات الإیرانیّة.

۲۴. عَیِّن الصَّحیح فی التّرجمة.

۱) إن اللهَ لایُغَیِّرُ ما بِقومٍ حَتّی یُغیّروا ما بأنفسهم: به راستی خدا حال هیچ قومی را تغییر نداد، مگر آنچه را که در خودشان بود، دگرگون نمودند.
۲) کانَت تُحبُّ العَیش فِی الشَّرق وَ دَرَّسَتْ ما یُقارِبُ خَمسَةً و عشرینَ عاماً فی جامِعَةِ هارفارد: در شرق زندگی می‌کرد و نزدیک به پانزده سال در دانشگاه هاروارد تدریس کرد.
۳) کانَ هَدَفَه الأعلی مَدَّ جُسورِ الصَّداقَة و التُّفاهمِ بَینَ أوروبا و العالم الإسلامی:هدف والایش، کشیدن پل‌های دوستی و تفاهم بین اروپاییان و عالم اسلامی است.
۴) أوَلَمْ یعلَموا أنْ اللهَ یَبْسُط الرَّزق لِمَن یَشاءُ: آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند.

۲۵. عیّن ما فیه فعلٌ لایحذف (النون) من آخره أبداً:

۱) الطالبات یعرفن وظائفهنّ الاساسیّة فی الحیاة!
۲) یا مریم هل تعلمینَ کیف تُقرأ هذه النصوص؟
۳) کان الأطفال یلعبونَ بالکرة علی الشاطیء بفرحٍ!
۴) لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا ممّا تحبون!

۲۶. ایّ عبارة جاءت فیها لام الأمر؟

۱) تکلّمتُ مع أصدقائی لیعلموا کیف یمکن لهم أنْ ینجحوا فی برامجهم.
۲) إنّ الامتحانات تساعد الطّلاب لِتعلُّم دروسهم فلْیعلموا ذلکَ و علیهم أن لایخافوا منها.
۳) لاتظلِمْ کما لاتحبُّ أنْ تُظْلَمَ و أحسن کما تحبّ أنْ یُحْسَنَ الیکَ.
۴) الحمدُ للهِ الذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لو لا أنْ هدانا الله.

۲۷. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:
«علی الشّباب أن یغتنموا لحظات عمرهم و یبادروا باکتساب الفرص، لأنّ العمر مع الشیب ینقص!»:

۱) بر جوانان است که لحظه‌های عمر خود را غنیمت بشمارند و برای به‌دست آوردن فرصتها مبادرت کنند، زیرا عمر با سالخوردگی نقصان می‌یابد!
۲) غنیمت شمردن لحظه‌های عمر و مبادرت در به‌دست آوردن فرصتها، بر جوانان ما واجب است، زیرا با پیر شدن از عمر کاسته می‌گردد!
۳) باید جوانان، لحظات عمر را غنیمت بدانند و اقدام به استفاده از فرصت به‌دست آمده کنند، چه همراه پیری عمر می‌گذرد!
۴) جوانان باید از تمام لحظات عمر خود بهره ببرند و اقدام به کسب فرصتها نمایند، چه پیری عمر را کاهش می‌دهد!

۲۸. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للّترجمة:
«قد وقف العلماء حیاتهم المثمرة فی سبیل تقدّم البشریّة»

۱) فرزانگان حیات پرثمری را در راه پیشرفت انسانی صرف کرده‌اند.
۲) عالمان، زندگی پرمایه‌ی خویش را در زمینه‌ی توسعه‌ی انسانی وقف ساخته‌اند.
۳) اندیشمندان عمر گرانبهائی را در طریق پیشروی بشریّت صرف کرده‌اند.
۴) دانشمندان زندگی ثمربخش خود را در راه پیشروی انسانیّت وقف کرده‌اند.

www.akoedu.ir

۲۹. عیّن الصحیح:

۱) حاولت زمیلتی أن تُغلق باب حافلة المدرسة: همشاگردیم تلاش کرد که در اتوبوس مدرسه را ببندد.
۲) ولکنّ الباب لم یُغلَق و أخذت الحافلة تَسیر بسرعة: ولی درب بسته نشد و اتوبوس می‌خواست به‌سرعت حرکت کند.
۳) تَغلّب الخوفُ علی اللّاتی کُن قد جلسنَ علی الکراسیّ الأمامیّة: کسانی را که در جلوی صندلی‌ها نشسته بودند ترس فرا گرفت.
۴) لأنّ السائق لم یَکن جالساً علی کرسیّه الخاصّ فی السیّارة: زیرا رانندهٔ اتوبوس هنوز در جای خود ننشسته بود.

۳۰. عَیِّن التَّرجَمة الصَّحیحة:

«کانَتْ «شیمل» مِنْ أشهر المُستَشرقینَ و تَدعو العالَم الغربیَّ المسیحیَّ لِفَهم حقائق الدّین الإسلامی و الاطِّلاع عَلَیه.»

۱) شیمل از مشهورترین شرق‌شناسان بود و دنیای مسیحی غرب را به فهم حقیقت‌های دین اسلام و آگاهی از آن، دعوت می‌کرد.
۲) شیمل از شرق‌شناسان مشهوری بود که دنیای مسیحی غرب را به فهمیدن حقیقت دین اسلام و آگاهی از آن دعوت می‌کند.
۳) شیمل مشهورترین شرق‌شناس بود و دنیای غرب مسیحی را به فهم حقایق دین اسلام و آگاهی از آن دعوت می کرد.
۴) شیمل از مشهورترین شرق‌شناسان بود و دنیای مسیحی و غرب را به فهم حقیقت‌های دین اسلام و آگاه کردن آن دعوت می‌کرد.

۳۱. عیّن الصحیح للفراغ لإیجاد اسلوب الماضی الاستمراری:

(التلامیذ .... دروسهم بدقّة).

۱) کانوا یکتبونَ ۲) کان یکتب ۳) کنتم تکتبونَ ۴) کنَّ یکتبنَ

۳۲. عیّن ما فیه (الماضی الاستمراریّ) فی المعنی:

۱) شاهدتُ سنجاباً یقفزُ من شجرة الی شجرة.
۲) افتِّش عن صدیق یرشدُنی فی الحیاة.
۳) تکلّموا تُعرَفوا فإنّ المرء مخبوء تحت لسانه.
۴) اللّهمّ انّی أعوذ بک من نفسٍ لا تُشبَعُ.

۳۳. عیّن لام التعلیل (بیان العلة):

۱) فَاستغفروا لِذنوبکم و مَن یغفر الذنوبَ الّا اللهُ.
۲) لَها ما کسبَتْ و علیها ما إکتسبَتْ.
۳) إنّا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائلَ لِتعارَفوا.
۴) ربِّ انّی لما أنزلتْ الیَّ من خیر فقیر.

۳۴. ■■ عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للتّرجمة أو التّعریب:

«بزرگان اگر تلاش نداشتند هرگز به اهداف خود نمی‌رسیدند و از رسیدن به آنها لذّت نمی‌بردند!»:

۱) إن ما کان الجدّ عند العظام فلن یبلغوا أهدافهم و لن تعطی لهم لذّة من وصولها!
۲) إن لم یکن للعظماء سعیٌ لم یصلوا إلی أهدافهم أبداً و لم یتلذّذوا بالوصول إلیها!
۳) إن لم یکن عند الکبار اجتهادٌ لم ینل أهدافهم أبداً و لم تُعط اللّذة لهم من إدراکها!
۴) إن ما کان الجهد للعظماء لا یصلوا إلی أهدافهم حتّی الأبد ولا یتلذّذون من بلوغها!

■■ إقرأ النّصّ التّالی بدقّة ثمّ أجب عن الأسئلة بما یناسب النّصّ:

هناک فرق کبیر بین البلاد الغنیّة و القیرة، و لکن علی خَلاف ما یتصوّر البعض فنحن نری أنّ فی هذه البلدان الفقیرة توجد مصادر طبیعیّة کثیرة، ولکن علی رغم ذلک سکّانها لا یرون الهناء فی حیاتهم!

فمن أسباب ذلک هو أنّها لا تهتمّ بالسّنّة الإلهیّة، فلا ترید أن تلتفت إلیها؛ فهذه سنّة قد جعلها الخالق للعالم بأنّ التقدّم لا یأتی جاهزاً من السّماء، بل هو بحاجة إلی الکدّ و الجدّ و الحزم! فالدّول الغنیّة تستفید ممّا أعطاها الله، فلا شکّ أنّها تتقدّم!

و أمّا الفقیرة فإنّها تَتوقّعه کذلک لکنّها لا تعتمد علی نفسها و لا تستفید من طاقاتها، فتتخیّل أنّ الحیاة المُریحة تتحقّق بالتّمنیّات فقط! کلّا، فقد جعل الله الاجتهاد و العمل باب الوصول إلی التقدّم، فهذه سنّة لا تتغیّر، فکلّ من عمل بها - مؤمناً کان أو کافراً - فهو یری نتیجة جهده!

۳۵. ■ عیّن الخطأ فی التّشکیل:

«من أسباب ذلک هو أنّها لا تهتمّ بالسنّة الإلهیّة، فلا ترید أن تلتفت إلیها!»:

۱) مِنْ - ذلِکَ - تَهتَمُّ ۲) أسبابِ - تُریدُ - تَلتَفِتُ ۳) بالسُّنَّةِ - الإلهیَّةِ - تُریدُ ۴) تَهتَمُّ - السُّنَّةَ - الإلهیَّةِ

۳۶. «لا یَرضَی أخی أن یَسبَّ مَن سَخَطه، و بحلمه یُرضی اللهَ»:

۱) برادرم را دشنام دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی‌کند، و بردباریش خدا را راضی می‌نماید.
۲) برادرم را دشنام دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی‌کند، و خداوند از بردباریش راضی می‌شود.
۳) برادرم رضایت نمی‌دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده، و خداوند از بردباریش خشنود می‌گردد.
۴) برادرم راضی نمی‌شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد، و با بردباریش خدا را خشنود می‌سازد.

۳۷. عیّن «لا» تختلفُ عَنِ الباقی:

۱) لا تُجادلوا أصدقاءَکُم المُجدِّین یا طلّابُ!
۲) لا نُفرِّق بینَ رُسل الله، إنّهم کانوا مبشّرین و مُنذرینَ.
۳) هذانِ النجّاران لا یَستخدِمانِ أشجار الغابة فی المَعْمل.
۴) المُسلماتُ الصالحاتُ لا یُساعِدْنَ فی المدینةِ الّا المساکینَ.

۳۸. عیّن ما لیس فیه من انواع الماضی فی المفهوم:

۱) کتب الاروبیّون مقالاتٍ یأخذون من المسلمینَ. (الماضی الاستمراریّ)
۲) رأیتُ کتاباً فی المکتبة قرأتها و أنتفعتها من قبل. (الماضی البعید).
۳) کان المعلم فی وسط الصفّ و هو ناظرٌ للإمتحان. (الماضی البعید).
۴) أنا لم اکُنْ اعلمُ طریقة حل تلکَ المسألة. (الماضی الاستمراریّ)

۳۹. عیّن ما فیه (الماضی الاستمراریّ) فی المعنی:

۱) رأیتُ ولداً یمشی بسرعة.
۲) إرضاء الناس غایةٌ لاتُدرک.
۳) اشتریتُ کتاباً رأیته من قبل.
۴) کان شمس الصحراء محرقةً جدًّا.

۴۰. عیّن اللام یستعمل بصورة ساکنة:

۱) و لنذهب عند المعلم و نطلب أن یؤجّل الامتحان.
۲) ذهبتُ الی المتجر لأشتری بطاریّة الجوّال.
۳) أ و لم یعلموا أنّ اللهَ یبسط الرزق لمن یشاء.
۴) ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج.

۴۱. عیّن الخطأ عن الموقع الإعرابی لِما اشیر الیه بخطّ:

۱) خیرإخوانِکَ مَن دعاک الی صدق المقال: (مضافالیه – مفعولبه)
۲) وافق الأستاذ أنْ یؤجّل لهم الامتحان لمدّة اسبوع واحد: (مفعولبه – موصوف)
۳) إنْ هربْتَ من الواقع فسوف تواجه مشاکل و صعوبات کثیرة: (مفعولبه – صفت)
۴) عسی أنْ تکرهوا شیئاً و هو خیرٌ لکم: (مبتدا – خبر)

۴۲. عیّن الأصحّ و الأدقّ فی الأجوبة للترجمة أو المفهوم أو التعریب

«هذا أمر طبیعیة أنّ النّاس تُلجئهم الضّرورة إلی مساعدة الآخرین!»:

۱) این مسأله، طبیعی است که ضرورت، مردم را به کمک دیگران سوق می‌دهد!
۲) این امری طبیعی است که مردم را، ضرورت به کمک کردن به دیگران وادار می‌کند!
۳) این امر، طبیعی است که ضرورت همان است که مردم را به کمک به دیگران وادر می‌کند!
۴) این مسأله‌ای طبیعی است که بسبب ضرورت است که مردم به کمک کردن به دیگران وادار می‌شوند!

۴۳. عیّن الخطأَ فی ترجمة العبارات التالیة:

۱) ما یُرِیدُ ربُّنا أن یَجْعلَ عَلَی المؤمنات مِن حَرَجٍ: خداوند ما نمی‌خواهد بر مؤمنان سختی‌هایی عجیب قرار داده شود.
۲) لَمْ یَلِد و لم یُولَد و لم یکن لَهُ کفواً أحدٌ: نزایید و زاییده نشد و کسی برای او همتایی نبوده است.
۳) إعلَموا بِأنّ الله یَبْسطُ الرزقَ لِمَن یَشاء: بدانید که خداوند روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گستراند.
۴) هِیَ تَشعُر بألمٍ فی صدرها و عِندَها ضَغطُ الدّم: او احساس دردی در سینه‌اش می‌کند و فشار خون دارد.

۴۴. ■■ عیّن المناسب للجواب عن الأسئلة التّالیة:

عیّن الفعل یدلّ علی البعید فی الفارسیّة:

۱) لم یقدروا أن یساعدونا فی تعلّم الدروس المدرسیّة!
۲) کانت قرب بیتنا حدیقة کبیرة جمیلة و نحن نتتفع بها!
۳) کان التّلامیذ قد اقترحوا علی المدیر أن یشترکوا کلّهم فی السّباق!
۴) کانت هذه الطالبة تُتعب نفسها فی أداء واجباتها فی البیت لیلاً و نهاراً!

۴۵. «إن شاهدتَ أحداً قد وصل إلی القمّة فإنّه کان یَتحرَّک عندما کان الآخرون نیاماً» :

۱) اگر کسی را دیدی که به قلّه رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می‌کرد!
۲) اگر مشاهده کردی کسی به قلّه‌ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
۳) اگر کسی را که به قلّه‌ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالیکه دیگران خوابیده بودند!
۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قلّه رسیده، قطعاً درحالیکه دیگران خوابیده بودند می‌خواست حرکت کند!

۴۶. عیّن ما فیه لام الأمر:

۱) عند مشاهدة آثار قدرة الله لیخشع القلب!
۲) ساعِد أصدقاءک لیخرجوا من مشاکلهم بسهولة!
۳) یجب علی الإنسان کثیرٌ من المحاولات لیُصلح نفسه!
۴) ذهب صدیقی إلی متجر آخر لیشتری سروالاً أرخص!

۴۷. عیّن الفعل المضارع الّذی لا یَتَغَیَّرُ ظاهرهُ أبداً.

۱) کانَت المُسلماتُ یَکتسِبْنَ مکانة رفیعة فی العالَم.
۲) المُدیرونَ یُسَجِّعونَ تلامیذهم أَنْ یَدْرَسوا بدقّة.
۳) لِنُشَکِّلْ فریقاً فی الجامعةِ للحوار الثقافیّ.
۴) أولَمْ یَعلموا أَنّ الله یَبْسطُ الرّزق لِمَن یَشاءُ؟

۴۸. عیّن فعل النفی:

۱) انّ الله لایهدی مَن هو کاذبٌ کفّار.
۲) لاتَقْفُ ما لیس لکَ به علمٌ.
۳) لاتقُل بما تخاف تکذیبه.
۴) یا ایّها الذینِ آمنوا لایَسخر قومٌ من قومٍ.

۴۹. عیّن فعل النهی:

۱) لاتُحدّث الناس بکُلّ ما سمعتَ به.
۲) یبلغ الصادق بصدقه ما لایبلغه الکاذب باحتیاله.
۳) یا حضرة الصیدلیّ لماذا لاتعطینی هذه الأدویة؟
۴) من اخلاق الجاهل الحُکم بما لایعلم.

۵۰. عیّن حرف اللام مختلفاً عن الباقی:

۱) تکلّمت مع اصدقایی لیعلموا کیف یمکن أنْ ینجحوا فی برامجهم.
۲) قال المدیر: إنّ الامتحانات تساعد الطلّاب لتعلُّم دروسهم.
۳) لِأُبعِد تلامیذی عن الخطأ فی الامتحانات، حاولتُ کثیراً.
۴) تساعد الاستاذة طلّابها لیعلمن الدرس جیِّدا.

www.akoedu.ir

پاسخنامه تشریحی

۱ . گزینه ۳ « الظبیُ »: **آهو** / « کأنّه »: **گویی** / «**إنسان شاعر**» **: انسانی شاعر است** /« یُدرک جمال اللّیل »: **(جملهٔ وصفیه)، که زیبایی شب را درک می‌نماید.**

« و هو یرقب القمر بإعجاب کثیر »: **(جملهٔ حالیه)، و با شگفتی بسیار ماه را نظاره می‌کند.**

۲ . گزینه ۴ با توجه به عبارت داده شده که می گوید: هر کس طمع به زیاد داشته باشد به کم دست پیدا نمی‌کند. در گزینه‌های دیگر در این خصوص صحبت نشده است.

ترجمهٔ عبارت: هر کس به بسیار طمع کند، کم را (هم) به‌دست نمی‌آورد.

مفهوم بیت گزینهٔ ۴ و عبارت سؤال این است که انسان حریص هر چه بیشتر حرص بورزد کم‌تر به خواسته‌اش می‌رسد.

۳ . گزینه ۳ توجه: هرگاه حرف «لن» بر سر مضارع بیاید «آیندهٔ منفی» ترجمه می‌شود و هرگاه حروف «أن – کَیْ – لِـ – لِکَی – حَتّی» بر سر مضارع بیایند «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۴ . گزینه ۳ مجویید: لا تطلبوا، لا تبطلبن **فعل نهی است. اگر مذکر باشد، باید نون آن حذف شود و با توجه به منادا باید جنس آن تعیین شود. (رد سایر گزینه‌ها) در گزینهٔ ۱ حرف نون حذف نشده است. در گزینهٔ ۲ و ۴ منادا و فعل از نظر جنس با هم مطابقت ندارند. همچنین کلمهٔ علم مفرد است که در گزینه‌های ۱ و ۴ به‌صورت علوم و جمع ترجمه شده است.**

۵ . گزینه ۳ ترجمهٔ عبارت: «ما چند ساعت فوتبال بازی کردیم؛ ولی آنها در بازی با ما مشارکت نکردند.»

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ (۱): با ما مشارکت نمی‌کنید، صیغهٔ فعل درست نیست و با ضمیر هم مطابقت ندارد.

گزینهٔ (۲): با ما مشارکت کردند. چون در جمله لکنَّ به‌کار رفته است، فعل دوم باید منفی باشد.

گزینهٔ (۳): مشارکت نکردند.

نکته: «لم» فعل مضارع را به ماضی منفی تبدیل می‌کند.

گزینهٔ (۴): با ما مشارکت نکنید، فعل نه از نظر صیغه و نه از نظر معنا مناسب نیست.

۶ . گزینه ۳ ردّ سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: شاعران: شاعر، «که» اضافه است.

گزینهٔ ۲: این شاعران: اینان شاعر، «که» اضافه است، دل‌انگیزی: زیبایی

گزینهٔ ۴: بخشی از عبارت در ترجمه حذف و در مفهوم عبارت فارسی خلل وارد شده است.

۷ . گزینه ۴ «قلوب الآخرین: دل های دیگران» [رد گزینه‌ی (۱)]

«یحرق: می سوزاند» [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]

«زهراً مهلکاً: زهری کشنده» نکره است، باید با «ی» وحدت یا نکره ترجمه شود. [رد گزینه‌ی (۲)]

«تحته: زیر آن» [رد گزینه‌های (۱) و (۲)]

«مخبوء: پنهان» [رد سایر گزینه‌ها]

۸ . گزینه ۱ استخراج: خارج کردن، استخراج (رد گزینهٔ ۴) / أصبح رخصیاً: ارزان می‌شد (رد گزینهٔ ۲ و ۳).

۹ . گزینه ۲ درگزینهٔ ۲ لِنستَمِع **: باید گوش بدهیم (لِـ امر به صورت مضارع الترامی ترجمه می‌شود)**

۱۰ . گزینه ۱ ردّ سایر گزینه‌ها:

۲) فاعل ⇐ خبر

۳) مجرور بحرف الجرّ ⇐ مضاف‌إلیه

۴) مفعول ⇐ فاعل

۱۱ . گزینه ۲ «مال» بدون اَلْ و نکره است در گزینهٔ ۱ به غلط بصورت معرفه ترجمه شده است.

حسن خُلقک: «خوبی اخلاقت» یا «حسن اخلاقت» (نادرستی ۳، «خوش اخلاق» باش.

تعطیه الآخرین: «ببخشی آن را به دیگران» (نادرستی ۴)

۱۲ . گزینه ۴ ترجمهٔ عبارت صورت سوال: عالم بی عمل مانند درخت بدون میوه است که با گزینهٔ (۴) که می‌گوید: برترین علم‌ها آن است که بر اعضای انسان آشکار شود. یعنی علمی که در عملِ عالم دیده شود.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: قیمت انسان به آنچه است که درست انجام می‌دهد.

گزینهٔ ۲: هرکس بزرگی را بخواهد، شب‌ها بیدار می‌ماند.

گزینهٔ ۳: نتیجهٔ علم اخلاص در عمل است.

گزینهٔ ۴: برترین علم‌ها آن است که بر اعضای بدن انسان آشکار شود. یعنی علمی که در عملِ عالم دیده شود؛ تناسب دارد.

پس این گزینه درست است.

۱۳ . گزینه ۲ فعل مضارع مجزوم به «لم» به‌صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود.

ترجمهٔ گزینهٔ «۲»: آیا ندیدند بی‌شک ما شب را قرار دادیم که در آن آرامش بگیرند و روز را روشن قرار دادیم.

فعل‌های مضارع: «لِیَتناولوا**» به‌صورت مضارع التزامی، «**لَنْ تَنجَحَ**» به‌صورت مستقبل منفی «**لاتظلِمْ**» به‌صورت نهی، «**أَن تُظلَمَ**» و «**أَنْ یُحْسَنَ**» به‌صورت مضارع التزامی، «**لا تُحِبُّ**» و «**تُحِبُّ**» به‌صورت مضارع منفی و مثبت ترجمه می‌شوند.**

۱۴ . گزینه ۲ اسم مفعول: مسؤول – اسم تفضیل:أَقَلّ – طلّاب: اسم فاعل

۱۵ . گزینه ۲ (یُساعدنی**) جملهٔ وصفیه برای اسم نکره (**مُعجم**) بوده و چون قبل از آن نیز یک فعل مضارع دیگر (**اُفَتِّش**) به کار رفته، بنابراین مضارع دومی به‌صورت (التزامی) ترجمه می‌شود. (دنبال لغت‌نامه‌ای می‌گردیم که در فهم متن‌ها به من کمک کند.)**

بررسی گزینهٔ (۱): (أشکُرُ**: شکر می‌کنم)**

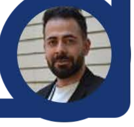

بررسی گزینهٔ (۳): (کُنّا نسافرُ: مسافرت می‌کردیم ← کان + مضارع)

بررسی گزینهٔ (۴): (یکذبُ: دروغ می‌گوید. یشاهد: مشاهده می‌کند.)

۱۶ . گزینه ۱ عمر تو: «عمرک» (نادرستی ۳ و ۴ «العمر» بدون ضمیر آمده است. «دقائق» جمع غیرعاقل است پس فعلی که به آن نسبت داده می‌شود باید «مفرد مؤنث غائب» باشد (نادرستی گزینهٔ ۲ «لا یُفنی: مفرد مذکر غائب» است)

۱۷ . گزینه ۴ (خداوند نمی‌خواهد تا شما را در سختی و تنگنا قرار دهد) حرف لام ناصبه.

بررسی گزینه‌های (۱، ۲ و ۳): در تمام این گزینه‌ها حرف (لام جارّه) به کار رفته است.

۱۸ . گزینه ۳ (ما أجملَ: چه زیباست، جملهٔ تعجبی و فعل نیز تعجبی است نه ماضی منفی!)

نکته:

اگر (ما + افعل) تعجبی باشد، بعد از آن هرگز (فاعل نمی‌آید) این مهم‌ترین فرق آن با (ماضی منفی) است!

بررسی سایر گزینه‌ها: (لم‌یلتفتوا: ماضی منفی)، (ماأضمر: ماضی منفی)، (ماعاهد: ماضی منفی).

۱۹ . گزینه ۳ (یظنُّ: گمان می‌کند)

بررسی گزینهٔ (۱): (عرفَ هر چند ماضی است ولی چون (فعل شرط) شده به‌صورت (مضارع التزامی) ترجمه می‌شود (بشناسد)

بررسی گزینهٔ (۲): این جمله نیز شرطی است، پس فعل شرط به‌صورت مضارع التزامی (گمان کنی) ترجمه می‌شود!

بررسی گزینهٔ (۴): احب: دوست دارم / یرشدنی جملهٔ وصفیه برای اسم نکره (صدیقاً) است و چون قبل آن یک فعل مضارع دیگر (احب) به‌کار رفته، فعل دومی به‌صورت التزامی معنی می‌شود (ارشاد کند.) (دوست دارم رفیقی را که مرا ارشاد کند به کمال)

۲۰ . گزینه ۳ معنای جمله: که به زمان زندگی گذشته نگاه نکن، بلکه به زمان‌های باقیمانده دقت کن.

۲۱ . گزینه ۳ در گزینهٔ ۱ و ۲، ضمیر «ت» در «پروردگارت» ترجمه نشده است. در گزینهٔ ۲ فعل «نخواهی رساند» آینده منفی و غلط است. در گزینهٔ ۴ چیزهایی معنایی مناسب برای کلمهٔ «ما» نیست و «می‌فرستد» ماضی استمراری است و نادرست است.

همانا سگ حیوانی است که با خوردن گوشت و استخوان زندگی می‌کند ولی اخیراً دانشمندان به این باور رسیده‌اند که سگ در زمانی‌که گرسنگی به او فشار آورد غذای محبوبش را پیدا نکند روی می‌آورد به خوردن گیاهان و علف‌ها و همانا او تا آخر عمرش قادر است که به این حالت باقی بماند و دانشمندان تأکید کرده‌اند سگی که به خوردن گیاهان عادت کند بعد از مدتی خوردن غذای محبوبش را فراموش می‌کند. یعنی گوشت و استخوان، و حیوانی گیاه‌خوار می‌شود. این سگ بسیاری از صفات یک سگ عادی را از دست می‌دهد و طوری عمل می‌کند (رفتار می‌کند) که انگار حیوانی دیگر است.

۲۲ . گزینه ۲ در این گزینه آمده است که «دگرگونی عادت‌های حیوانات، ممکن نیست» که بر طبق مفهوم متن، این معنی، نادرست می‌باشد.

۲۳ . گزینه ۴ بر سر فعل مضارع در گزینهٔ «۴»، «لَمْ» آمده است که زمان آن را به گذشته تبدیل می‌کند.

ترجمه: «شیمل» در دانشگاه هند تدریس کرد ولی در دانشگاه‌های ایران درس نداد.

در گزینه‌های دیگر فعل‌های مضارع به‌صورت حال ترجمه می‌شوند.

ترجمهٔ گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: به راستی خدا حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنچه در خودشان هست را تغییر دهند.

گزینهٔ «۲»: بر خدا پس مؤمنان توکّل کنند.

گزینهٔ «۳»: پیامبر (ص) مبعوث شد تا مردم را هدایت کند، پس به سخن حق گوش فرا دهیم.

۲۴ . گزینه ۴ تصحیح گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۱»: تغییر نمی‌دهد – آنچه که در خودشان هست دگرگون کنند.

گزینهٔ «۲»: زندگی در شرق را دوست داشت – بیست و پنج سال

گزینهٔ «۳»: بین اروپا و دنیای اسلام بود.

۲۵ . گزینه ۱ هرگز در صیغه‌های جمع مؤنث (غایب: یعرفْنَ + مخاطب: تعرفْنَ) نون از آخر فعل حذف نمی‌شود و همواره ثابت باقی می‌ماند. الان در این گزینه نیز همین موضوع وجود دارد!

بررسی سایر گزینه‌ها: (تعلمینَ – یلعبونَ – تحبّون) اگر تحت تأثیر حروف (ناصبه) یا (جازمه) قرار بگیرند، حتماً (ن) از آخرشان حذف می‌شود.

۲۶ . گزینه ۲ چون به همراه (فاء عطف) آمده پس اول جمله حساب شده و (لام) در اول آن (لام امر یا جازمه) نامیده می‌شود.

*یادآوری نکته: (لام جازمه یا لام امر غایب) در اول جمله به همراه مضارع آمده و آن را مجزوم می‌کند و معنای (باید) می‌دهد!

بررسی گزینهٔ (۱): (لیعلموا) در پاسخ فعل اول (تکلُّمت) آمده و علت انجام آن را بیان می‌کند، پس (لام تعلیل) و یا (ناصبه) می‌باشد!

بررسی گزینهٔ (۳): حرف (لام) در این گزینه نیست فقط (لاء نفی غیرعامل) به همراه فعل (لاتحبُّ: دوست نمی‌داری) به کار رفته است!

بررسی گزینهٔ (۴): (لام ناصبه) به همراه فعل (لنهتدی) در وسط جمله به کار رفته است.

۲۷ . گزینه ۱ در گزینهٔ ۲ و ۳ ضمیر «هم» ترجمه نشده است («عمر خود» یا «عمرشان»). در گزینهٔ ۴ کلمهٔ «تمام» اضافی است.

۲۸ . گزینه ۴ قد وقف: وقف کرده اند، حیاتهم المثمرة: زندگی ثمر بخش خود (رد گزینه‌های **۱** و **۳**) ، سبیل: طریق، راه (رد گزینهٔ **۲**) تقدم البشریّة: پیشرفت انسانیت (رد گزینه‌های **۱** و **۲**)

۲۹ . گزینه ۱ بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینهٔ «۲»: فعل «أخذَ» وقتی همراه با یک فعل مضارع می‌آید، به‌صورت «شروع به ... کرد» ترجمه می‌شود. (أخذَت تَسیرُ: شروع به حرکت کرد)

ترجمهٔ صحیح عبارت: ولی درب بسته نشد و اتوبوس به‌سرعت شروع به حرکت کرد!

گزینهٔ «۳»: «الکراسی الأمامیّة» ترکیب وصفی است و باید به‌صورت «صندلی‌های جلویی» ترجمه گردد. به‌علاوه، معنی تغلّب علی «بر.... چیره شد» است.

ترجمهٔ صحیح عبارت: ترس بر کسانی که روی صندلی‌های جلویی نشسته بودند، چیره شد!

گزینهٔ «۴»: «الخاصّ» و «فی السیّارة» ترجمه نشده است. «اتوبوس» و «هنوز» هم معادلی در عبارت عربی داده شده ندارند.

ترجمهٔ صحیح عبارت: زیرا راننده بر صندلی مخصوص خود در ماشین ننشسته بود!

نکتهٔ مهم: «أخذَ + فعل مضارع» به‌صورت «شروع به ... کرد» ترجمه می‌شود.

۳۰ . گزینه ۱ تصحیح گزینه‌های نادرست:

مِنْ أشهر المُستشرقین: از مشهورترین شرق‌شناسان (رد گزینهٔ ۲ و ۳)

العالم الغربی المسیحی: دنیای مسیحی غرب (رد گزینهٔ ۳ و ۴)

کانت ... تدعو: دعوت می‌کرد (رد گزینهٔ ۲)

۳۱ . گزینه ۱ با توجه به قبل از جای خالی (التلامیذ) می‌فهمیم که باید جای خالی را با کلمات (جمع مذکر) پر کنیم. از طرفی چون نشانه‌ای هم از (مخاطب) در جمله وجود ندارد، پس از (غایب) استفاده می‌کنیم!

۳۲ . گزینه ۱ (اُفتّش: جستجو می‌کنم + صدیق: دوستی که + یُرشدنی: مرا ارشاد کند.) البته اگر می‌گفت (ارشاد می‌کند) نیز صحیح بود؛ پس مضارع استمراری در این جمله وجود دارد.

بررسی گزینهٔ (۱): (شاهدتُ ... یقفزُ: دیدم ... که ... می‌پرید) ماضی استمراری در این جمله است.

بررسی گزینهٔ (۳): (تکلّموا: صحبت کنید ... تُعرَفوا: تا شناخته شوید)

*یادآوری نکته: بعد از فعل امر نهی، اگر فعل مضارع بیاید، به‌صورت التزامی ترجمه می‌شود... در ظاهر نیز مجزوم می‌شود!

بررسی گزینهٔ (۴): (نفس لا تُشْبَعُ: نفسی که سیر نشود)

(اصولاً فعل مضارع در جایگاه جملهٔ وصفیه به‌صورت التزامی ترجمه می‌شود!)

۳۳ . گزینه ۳ (لِتعارفوا: تا یکدیگر را بشناسید)

بررسی گزینهٔ (۱): (لذنوبکم: جارومجرور) است.

بررسی گزینهٔ (۲): (لَها = جارومجرور)

بررسی گزینهٔ (۴): (لِما = جارومجرور)

۳۴ . گزینه ۲ در عربی فعل داشتن با فرمول «کان + لِـ (عِنْدَ)» می‌آید.

جمله شرطی است. آغاز جمله‌ها در ظاهر درست به نظر می‌رسد، اما جواب شرط در گزینه‌های دیگر (لن یَبْلُغوا – لن یَنلَ – لایَصلوا) درست نمی‌باشد.

در گزینهٔ ۱ قید هرگز نیامده است. در گزینهٔ ۳ «لَمْ تُعْطِ» به‌صورت مفرد نادرست است و «لم تُعْطِ» شکل صحیحِ «لذت نمی‌بردند» نیست.

۳۵ . گزینه ۲ «أن» از حروف ناصبه است؛ پس «تَلْتَفِتَ» درست است.

۳۶ . گزینه ۴ أن یسبّ: دشنام دهد (رد گزینهٔ ۱, ۲)

بحلمه: با بردباریش (رد گزینهٔ ۱, ۲, ۳)

۳۷ . گزینه ۱ در این گزینه «لا» نهی دیده می‌شود، اعراب جزم در فعل مضارع مشخص است. حذف «ن» در سایر گزینه‌ها «لا» نفی آمده است، که تغییری روی فعل مضارع ایجاد نمی‌کند.

۳۸ . گزینه ۳ چون (کان) به تنهایی و بدون یک (فعل ماضی) دیگر به کار رفته؛ پس (ماضی بعید) در این جمله وجود ندارد!

بررسی گزینهٔ (۱): (کتبَ: ماضی + مقالات: مقاله‌هایی که + یأخذونَ: می‌گرفتند، ماضی استمراری)

بررسی گزینهٔ (۲): (رأیتُ: ماضی + کتاباً: کتابی را که + قرأتُها: خوانده بودم، ماضی بعید)

بررسی گزینهٔ (۴): (لم أکُنْ: حالت ماضی منفی (کان) یعنی (ما کانَ) + أعلَمُ: مضارع، نمی‌دانستم) به عبارتی انگار (ما کانَ + مضارع) شده و به‌صورت (ماضی استمراری) ترجمه می‌شود.

۳۹ . گزینه ۱ در اسلوب جملهٔ وصفیه (رأیتُ: ماضی + یمشی: راه می‌رفت)؛ یعنی مضارع دوم می‌تواند به‌صورت (استمراری) ترجمه شود!

بررسی گزینهٔ (۲): (غایةً لاتُدرَکُ: هدفی است که درک نمی‌شود، فهمیده نمی‌شود.)

بررسی گزینهٔ (۳): در اسلوب جملهٔ وصفیه ترکیب (اشتریتُ: خریدم. ماضی + رأیته: ماضی) و فعل دوم به‌صورت (بعید: دیده بودم) ترجمه می‌شود. البته ترجمهٔ آن به‌صورت (ماضی ساده) هم غلط نیست! (خریدم کتابی را که دیده بودم، دیدم) ...

بررسی گزینهٔ (۴): (کان: بود) چون به تنهایی در جمله به کار رفته!

۴۰ . گزینه ۱ حرف (لام امر غایب یا لام جازمه) بعد از حروف عطف (وَ – فَ ...) به صورت ساکن تلفظ می‌شود (وَ لْیُذهِبْ ...).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ (۲): لأشتری (لام تعلیل)

گزینهٔ (۳): لمن (حرف جر)

گزینهٔ (۴): لیجعل (لام امر غایب که فعل را منصوب می‌کند.)

۴۱ . گزینه ۲ (موصوف) بودن (موقعیت یا محل اعرابی یا نقش کلمه) به شمار نمی‌رود! نقش آن مضاف‌الیه است.

۴۲ . گزینه ۲ هذا أمر: «أمرٌ» نکره است ? نادرستی ۱ و ۳ زیرا «امر» و «مَسْأله» معرفه ترجمه شده است.

در گزینهٔ ۴ «الضرورَة» به غلط «بسبب ضرورت» ترجمه شده یعنی کلمهٔ «سبب» در ترجمه اضافه آمده است.

۴۳ . گزینه ۱ رَبَّنا: پروردگار ما، حَرَج: حالت بحرانی، شرایط سخت، أنْ یَجْعَلَ: قرار دهد.

۴۴ . گزینه ۳ کان + ماضی ← ماضی بعید است

کان... قد اقترحوا: پیشنهاد کرده بودند

۴۵ . گزینه ۱ «إن» اگر / «شاهدتُ» دیدی، ببینی / «قد وصلَ» رسیده است / «القمّة» (معرفه) قلّه (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «کان یتحرّک» (ماضی استمراری) حرکت می‌کرد (رد سایر گزینه‌ها) / «عندما» هنگامی که (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «کان الآخرون نیاماً» دیگران خفته بودند.

در گزینهٔ «۴»، «در حالی که» نادرست است و «می‌خواست» اضافی است.

۴۶ . گزینه ۱ لیخشع: باید خاشع شود (لام امر)

۲ و ۳ و ۴ لام ناصبه هستند (تا خارج شوند / تا اصلاح شود / تا بخرد)

۴۷ . گزینه ۱ در این گزینه یَکتسِبْنَ: جمع مؤنث است و در حالت‌های رفع، نص و جزم هیچ تغییر در ظاهرش پدید نمی‌آید ولی دیگر صیغه‌های فعل مضارع در حالت‌های نصب و جزم دارای تغییری ظاهری می‌باشند.

۴۸ . گزینه ۱ (الله هدایت نمی‌کند) = فعل نفی و مرفوع!

سایر گزینه‌ها: همگی (لای ناهیه + فعل مضارع مجزوم) یعنی فعل نهی هستند (۲: پیروی نکن) و (۳: نگو) و (۴: نباید مسخره کند).

۴۹ . گزینه ۱ معمولاً فعل نهی از (فعل مخاطب در اول جمله) به همراه حرف (لاء ناهیه) ساخته می‌شود.

نکته:

البته (فعل نهی) از تمام صیغه‌های مضارع ساخته می‌شود، ولی اگر در مقام مقایسه قرار بگیریم، آن که در (اول جمله) و (مخاطب) باشد ارجحیّت دارد!

سایر گزینه‌ها: همگی (لای نافیه یا نفی) و (فعل نفی) و مرفوع است!

۵۰ . گزینه ۲ (تعلُّم: بر وزن فعل تفعُّل و مصدر و اسم است. پس لتعلُّم، جار و مجرور است.)

بررسی گزینهٔ (۱): (لیعلموا: مضارع منصوب و (ن) نیز به دلیل منصوب شدن حذف شده.)

مفهوم جمله: (با دوستانم صحبت کردم تا بدانند ...)

*یادآوری نکته: وقتی (فعل + ل + مضارع شود ⇐ لام ناصبه یا تعلیل است.)

بررسی گزینهٔ (۳): یادآوری نکته: هر چند ظاهراً (لِأُبعدَ) در اول جمله دیده می‌شود، ولی اجزای این جمله جابه‌جا شده و مضارع منصوب است و علت انجام کار فعل بعدی را نشان می‌دهد!
اصولاً وجود (ویرگول) در وسط جمله و یا آمدن یک فعل دیگر در وسط جمله نشانهٔ جابه‌جا شدن جمله و (مضارع منصوب علت انجام کار) در اول جمله قرار گرفته است!

بررسی گزینهٔ (۴): (لیعلمنَ: تا یاد بگیرند! مضارع منصوب)

www.akoedu.ir

پاسخنامه کلیدی

سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ	سؤال	پاسخ
۱	۳	۹	۲	۱۷	۴	۲۵	۱	۳۳	۳	۴۱	۲	۴۹	۱
۲	۴	۱۰	۱	۱۸	۳	۲۶	۲	۳۴	۲	۴۲	۲	۵۰	۲
۳	۳	۱۱	۲	۱۹	۳	۲۷	۱	۳۵	۲	۴۳	۱		
۴	۳	۱۲	۴	۲۰	۳	۲۸	۴	۳۶	۴	۴۴	۳		
۵	۳	۱۳	۲	۲۱	۳	۲۹	۱	۳۷	۱	۴۵	۱		
۶	۳	۱۴	۲	۲۲	۲	۳۰	۱	۳۸	۳	۴۶	۱		
۷	۴	۱۵	۲	۲۳	۴	۳۱	۱	۳۹	۱	۴۷	۱		
۸	۱	۱۶	۱	۲۴	۴	۳۲	۱	۴۰	۱	۴۸	۱		

www.akoedu.ir